

فصلنامه سیاست خارجی

سال سی و هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۳، صص ۲۲۴-۲۰۱



جایگاه بریکس در سیاست خارجی برزیل

هادی زرگری^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

^۱. دانش آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران zargari_hadi@yahoo.com

چکیده

برزیل یکی از قدرت‌های نوظهور طی دو دهه اخیر محسوب می‌شود که طبق پیش‌بینی‌ها و آمارهای اقتصادی، در حال تبدیل شدن به یکی از قدرت‌های بزرگ اقتصادی و سیاسی در سطح بین‌المللی است. برزیل طی دهه‌های اخیر در سیاست خارجی خود تلاش داشته است با تداوم و افزایش رشد اقتصادی و صنعتی در سطح داخلی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی در سطح خارجی، زمینه‌های لازم برای پیوستن به جمع قدرت‌های بزرگ و ارتقاء جایگاه خود را فراهم کند. بریکس با توجه به عواملی مانند جایگاه سیاسی مهم اعضای اصلی آن، سهم آن در اقتصاد جهانی و اثرگذاری بر روند افزایش نفوذ قدرت‌های نوظهور یک بلوک و گروه‌بندی مهم در نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. این گروه برای برخی اعضای آن به‌ویژه برزیل اهمیت و جایگاه بسیار مهمی دارد؛ به‌طوری که به یکی از اولویت‌های سیاست خارجی برزیل تبدیل شده است. با توجه به این ظرفیت، این نوشتار این پرسش کلیدی را مدنظر قرار داده است که بریکس چه جایگاهی در سیاست خارجی برزیل داشته است؟ در پاسخ به این پرسش، این فرضیه مطرح است که برزیل در راستای اهداف کلان سیاست خارجی خود و با آگاهی از هزینه‌های تغییر ساختار نظام بین‌المللی، با تشکیل بریکس در همکاری با دیگر بنیان‌گذاران و همکاری در قالب آن با دیگر قدرت‌های نوظهور توانسته است جایگاه بین‌المللی و اثرگذاری خود را در ساختار نظام بین‌الملل، به‌ویژه در موضوعات اقتصادی و سیاسی، ارتقاء دهد. این پژوهش از نوع مقالات توصیفی و تحلیلی می‌باشد و روش آن پژوهش کیفی مبتنی بر مطالعه موردی با استفاده از گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و مراجع آماری است.

• واژگان کلیدی

واقع‌گرایی ساختاری، قدرت نوظهور، بریکس، سیاست خارجی، برزیل.

مقدمه

حفظ و ارتقاء جایگاه در ساختار نظام بین‌المللی همواره یکی از دغدغه‌ها و اولویت‌های رهبران و مقامات کشورها محسوب می‌شود و کشورهای مختلف طی دهه‌های اخیر تلاش داشته‌اند با تقویت ظرفیت‌های داخلی، بهره‌مندی از فرصت‌ها موجود در سطح بین‌المللی و حتی ایجاد ظرفیت و فرصت‌های جدید نظیر بلوک‌بندی و اتحاد و ائتلاف در سطح کلان یا حوزه‌های خاص، زمینه لازم برای ارتقاء جایگاه خود را فراهم نمایند. نکته دارای اهمیت در این خصوص، تأثیرگذاری متقابل موارد فوق در سطح داخلی و بین‌المللی است که در صورت موفقیت کشورها در ایجاد ارتباط هدفمند و مفید، می‌تواند باعث افزایش قدرت و ارتقاء جایگاه کشورها گردد. بدین صورت که رشد مداوم اقتصادی داخلی، ثبات سیاسی، بهره‌مندی از فرصت‌های نظام بین‌المللی و ایجاد ساختارهای لازم برای تأمین نیازها و افزایش اثرگذاری در کنار یکدیگر نقش مهمی ایفا می‌کنند. این مسأله و ارتقاء جایگاه در نظام بین‌المللی از این نظر نیز دارای اهمیت است که امکان تغییر ساختار نظام بین‌المللی یا فراهم نبوده و یا با هزینه‌های بسیار زیادی برای کنش‌گران همراه خواهد بود؛ با توجه به این امر، تغییر جایگاه در ساختار موجود به جای تغییر ساختار به اولویت سیاست خارجی کشورها به‌خصوص قدرت‌های نوظهور تبدیل شده است.

برزیل یکی از قدرت‌های نوظهور طی دو دهه اخیر محسوب می‌شود که طبق پیش‌بینی‌ها و آمارهای اقتصادی، در حال تبدیل شدن به یکی از قدرت‌های بزرگ اقتصادی و سیاسی در سطح بین‌المللی است. رشد مداوم تولید ناخالص داخلی آن و قرار گرفتن در میان دهه اقتصاد برتر جهان، ورود به گروه‌هایی مانند گروه ۲۰ و رشد صنعتی داخلی، در کنار تداوم نفوذ آن بر آمریکای لاتین از مؤلفه‌های قدرت نوظهور آن محسوب می‌شوند. برزیل طی دهه‌های اخیر در سیاست خارجی خود تلاش داشته است با تداوم و افزایش رشد اقتصادی و صنعتی در سطح داخلی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی در سطح خارجی، زمینه‌های لازم برای پیوستن به جمع قدرت‌های بزرگ و ارتقاء جایگاه خود را فراهم کند؛ زیرا این موضوع به یکی از اهداف کلان سیاست خارجی آن تبدیل شده است.

از جمله اقدامات مهم سیاست خارجی برزیل برای ارتقاء جایگاه خود، همراهی با دیگر قدرت‌های نوظهور در ایجاد گروه‌بندی و بلوک‌هایی نظیر ایبسا، بریک و در نهایت بریکس است. بریکس با توجه به عواملی مانند جایگاه سیاسی مهم اعضای اصلی آن مانند قرار داشتن دو عضو آن در شورای امنیت و

انتخاب مکرر سایر اعضا به‌عنوان اعضا غیردائم آن شورا، سهم بیش از ۳۰ درصدی آن از تولید ناخالص جهان، ایجاد ساختارهایی مانند بانک توسعه و اثرگذاری بر روند افزایش نفوذ قدرت‌های نوظهور، یک بلوک و گروه‌بندی مهم در نظام بین‌الملل محسوب می‌شود. این گروه برای برخی اعضاء آن به‌ویژه برزیل اهمیت و جایگاه بسیار مهمی دارد؛ به‌طوری که به یکی از اولویت‌های سیاست خارجی برزیل تبدیل شده است. با توجه به این ظرفیت، این نوشتار این پرسش را مدنظر قرار داده است که بریکس چه جایگاهی در سیاست خارجی برزیل است؟ در پاسخ به این پرسش، این فرضیه مطرح است که برزیل در راستای اهداف کلان سیاست خارجی خود و با آگاهی از هزینه‌های تغییر ساختار نظام بین‌المللی، با تشکیل بریکس در همکاری با دیگر بنیان‌گذاران و همکاری در قالب آن با دیگر قدرت‌های نوظهور توانسته است جایگاه بین‌المللی و اثرگذاری خود را در ساختار نظام بین‌الملل، به‌ویژه در موضوعات اقتصادی و سیاسی، ارتقاء دهد. بدین نحو که برزیل پس از تشکیل این نهاد در پی همکاری بیشتر با اعضا آن به‌منظور تأمین نیازهای داخلی، کاهش وابستگی به غرب و تعقیب اهداف سیاسی و اقتصادی سیاست خارجی از جمله تقویت چندجانبه‌گرایی، افزایش اثرگذاری در نهادهای مالی و اقتصادی، گسترش حضور و نفوذ در نشست‌ها و نهادهای بین‌المللی و اثرگذاری بر روندهای تصمیم‌گیری بوده است و در این چارچوب، دستاوردهایی نیز داشته است. در این پژوهش با توجه به پرداختن به بحث ساختار نظام بین‌الملل و جایگاه کشورها در آن و همچنین هم‌خوانی رویکرد سیاست خارجی برزیل با مؤلفه‌های نظریه واقع‌گرایی ساختاری یا نواقع‌گرایی، از این چارچوب نظری برای فهم و تحلیل مباحث استفاده شده است.

این پژوهش با روش کیفی انجام شده و نوع روش به کار گرفته شده نیز مطالعه موردی است. گردآوری داده‌ها برای پیشبرد پژوهش نیز از طریق منابع کتابخانه‌ای و مراجع آماری است. مطالعه موردی یکی از راهبردهای پژوهش در علوم اجتماعی است که هر چند در روش‌های کمی و کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی در علوم اجتماعی تمرکز بیشتر بر داده‌های کیفی و تأکید بر فرآیندها و درک و تفسیر آنها است. در کاربرد مطالعه موردی در روش‌های کیفی نیز مطالعات بر متون و مراجع و جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل آنها قرار دارد. هدف کلی این روش مشاهده تفصیلی ابعاد مورد مطالعه است. در این نوشتار با تکیه بر این روش پرسش چگونگی مدنظر خواهد بود.

پیشینه ادبیات

آثار و مقالات مختلفی به ابعاد مختلف ارتباط سیاست خارجی برزیل با بریکس پرداخته‌اند. آرزو خردمندان (۱۴۰۱) در مقاله «بریکس، توانایی تغییر یا اصلاح سیستم روابط بین‌المللی» به امکان نقش‌آفرینی بریکس در ایجاد تغییر در نظام بین‌المللی پرداخته و آن را بستری برای ائتلاف‌سازی در یک نظام چندجانبه می‌داند که در پی سهم‌خواهی در نظام بین‌المللی است. مقابله با ساختارهای حاکم در نظام بین‌المللی یکی از محورهای اصلی این مقاله در بررسی اهمیت بریکس است.

مهدی زبائی (۱۳۹۸) در مقاله «سیاست خارجی: ابزار پیشرفت اقتصادی برزیل» به چگونگی بهره‌برداری برزیل از سیاست خارجی به‌عنوان ابزاری برای ارتقاء جایگاه خود پرداخته است. این مقاله به‌صورت کلی بر اهمیت بهره‌برداری از فرصت‌های سیاست خارجی توجه دارد و بر این پرسش متمرکز است که سیاست خارجی قدرت‌های نوظهور برای استفاده از فرصت‌های محیط بین‌المللی چه مؤلفه‌هایی دارد.

رضا موسی‌زاده و بهنام خسروی (۱۳۹۴) در مقاله «بریکس و نهادسازی بین‌المللی» تأثیر نهادهای بین‌المللی جدید بر سیاست خارجی قدرت‌های نوظهور را بررسی کرده‌اند. نگارندگان معتقدند قدرت‌های نوظهور با ایجاد نهادهای جدید مالی و سیاسی در پی تقویت چندجانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل هستند.

جک تاپای-کویوا^۱ (۲۰۲۳) در مقاله «سیاست خارجی چندقطبی برزیل چه معنایی برای نهادهای برتون وودز دارد» به بازگشت سیاست خارجی در سال ۲۰۲۳ به همکاری با دیگر قدرت‌های نوظهور از جمله چین پرداخته است. این مقاله ضمن بررسی رویکرد کلی سیاست خارجی برزیل بعد از به قدرت رسیدن مجدد داسیلوا، پیامدهای چنین سیاستی را نسبت به نهادهای مالی برتون وودز ارزیابی کرده است. در این چارچوب، نگارنده معتقد است توجه بیشتر برزیل به دیگر قدرت‌های نوظهور در قالب بریکس تضعیف نهادهای برتون وودز را به همراه دارد.

گیسلا پریرا دووال^۲ (۲۰۱۶) در مقاله «تشکیل ائتلاف؛ مورد برزیل در بریکس» به رویکرد مشترک اعضا بریکس نسبت به چندجانبه‌گرایی تمرکز دارد. این مقاله همچنین اشتراکات و تفاوت دیدگاه پنج عضو اصلی بریکس را بررسی کرده و بر اساس آن، به ارزیابی میزان موفقیت بریکس با توجه به رویکردهای اعضا پرداخته است.

¹ Jack Tapay-Cueva and David Dong

² Gisela Pereyra Doval

این پژوهش ضمن بهره‌مندی از آثار نگاشته شده پیشین، در پی تبیین و تشریح این کاستی در ادبیات موجود بوده است که فرصت‌ها و ظرفیت‌های بریکس و همکاری با اعضای آن چگونه بر سیاست خارجی برزیل اثرگذار بوده و تا چه میزان زمینه گسترش حوزه اثرگذاری و نقش‌آفرینی برزیل در ساختار نظام بین‌المللی را فراهم کرده است.

۱- چارچوب نظری

نظریه واقع‌گرایی ساختاری یا نواقع‌گرایی که از سوی کنت والتز^۱ مطرح شد بر تحلیل و تبیین روابط بین‌الملل با توجه به ساختار نظام بین‌المللی تأکید دارد. این نظریه که از سوی اندیشمندانی مانند رابرت گلیپین^۲ با تمرکز بر مؤلفه‌هایی مانند چگونگی تحول و تغییر و همچنین گنجاندن عوامل اقتصادی بسط یافت، معتقد است در تحلیل سیاست جهانی باید تبیین ساختاری را مبنای درک و تشریح قرار داد و ساختار نظام بین‌الملل ماهیت آن را تعریف می‌کند، هر چند عناصر شکل‌دهنده به نظام نیز اهمیت دارند. والتز در این نظریه سه مؤلفه کلیدی آنارشی، توزیع توانمندی‌ها و تفکیک کارکردی واحدها را مورد توجه قرار می‌دهد و معتقد است توزیع توانمندی‌ها عامل تمایز جایگاه بازیگران در ساختار نظام بین‌الملل است (پورا احمدی و عباسی خوشکار، ۱۳۹۱: ۴۳).

از دیدگاه نواقع‌گرایان، اصل سازمان‌دهنده در نظام بین‌المللی بر خلاف نظام داخلی که سلسله مراتبی است، آنارشی یا فقدان اقتدار مرکزی است و ماهیت این نظام در صورتی تغییر می‌یابد که اصل سازمان‌دهنده آن تغییر کند. در صورت عدم تغییر اصل سازمان‌دهنده، تغییر تنها در درون ساختار و سلسله مراتب آن ممکن است روی دهد؛ بدین صورت که تحت تأثیر عوامل مختلف، تغییراتی در توزیع توانمندی‌های بازیگران روی می‌دهد و جایگاه آن‌ها تغییر می‌یابد (مشیرزاده، ۱۳۹۸: ۱۱۵-۱۱۴). با توجه به این مؤلفه مهم در نظریه نواقع‌گرایی، می‌توان گفت تغییر در مؤلفه‌های قدرت بازیگران و توانمندی بازیگرانی مانند برزیل می‌تواند باعث ارتقاء یا افول جایگاه آنان گردد. در این پژوهش با توجه به تأکید گیلپین در میان نظریه‌پردازان نواقع‌گرایی بر مؤلفه‌هایی مانند تغییر در جایگاه بازیگران و نقش عوامل اقتصادی که به‌منظور درک و تحلیل بهتر سیاست خارجی برزیل و رویکرد آن به بریکس کارایی بهتری دارد، به دیدگاه‌های آن تکیه خواهد شد.

گیلپین معتقد است با توجه به دشوار یا غیرمحمول بودن تغییر در ماهیت نظام بین‌الملل دگرگونی در درون نظام به شکل تغییر در توزیع قدرت و همچنین تغییر در ماهیت تعاملات سیاسی یا

^۱ Kenneth Waltz

^۲ Robert Gilpin

اقتصادی محتمل تر است. با چنین چارچوبی در قالب این نظریه، می‌توان اهداف برزیل از تشکیل بریکس و بهره‌برداری از ظرفیت آن را در قالب چنین تغییراتی ارزیابی کرد. گیلپین معتقد است در پی تحولات در حوزه‌های اقتصادی یا فن‌آوری، منافع بازیگران و حتی موازنه قدرت میان آن‌ها تغییر می‌یابد و در نتیجه آن، بازیگرانی که در نتیجه تغییرات منافع بیشتری کسب نمایند، می‌توانند جایگاه خود را ارتقاء دهند و متعاقب آن، توازن قوای جدیدی شکل می‌گیرد (Gilpin, 1981:8). در چنین شرایطی بهره‌برداری از فرصت‌های اقتصادی و دیگر حوزه‌ها در کنار توان ایجاد ظرفیت یا سکوهایی مانند بریکس نیز در راستای هدف کلان‌تر ارتقاء جایگاه اهمیت دارد. باید توجه داشت که توزیع قدرت و تغییر در آن در ساختار نظام بین‌الملل از این نظر اهمیت دارد که توانایی دولت‌ها برای نیل به آنچه منافع خود تلقی می‌کنند را به میزان زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نکته مهم دیگر از دیدگاه گیلپین، اهمیت نقش‌آفرینی دولت‌ها در نوع کنش‌گری سازمان‌های بین‌المللی یا بلوک‌بندی‌هایی مانند بریکس است. وی معتقد است چگونگی تعامل بین دولت‌ها و منافع آن‌ها است که نقش سایر بازیگران را تعیین می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۹۸: ۱۲۴) و این سازمان‌ها یا بلوک‌بندی‌ها عامل محرکی برای بسط قدرت، تأمین نیاز و در نهایت ارتقاء یا افول جایگاه کشورها در توزیع قدرت هستند.

۲- روند شکل‌گیری بریکس و جایگاه آن در نظام بین‌المللی

۲-۱- پیشینه و روند تشکیل بریکس^۱ و نقش‌آفرینی برزیل

بریکس متشکل از کشورهای پنج کشور شامل برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی به‌عنوان قدرت‌های نوظهور اقتصادی و سیاسی است که با اضافه شدن آفریقای جنوبی به نهاد پایه‌ای آن یعنی بریک^۲ شکل گرفت. با توجه به این امر، روند تشکیل بریکس را باید در ادامه رویکرد سیاست خارجی بنیانگذاران آن در تشکیل بلوک‌های ایبسا^۳ و بریک جست‌وجو کرد. ایبسا گروهی سه‌جانبه متشکل از هند، برزیل و آفریقای جنوبی است که با هدف ارتقای همکاری‌های بین‌المللی ایجاد شده است. این گروه در نتیجه ملاقات رهبران سه کشور در سال ۲۰۰۳ تأسیس و متعاقب آن، بیانیه سه جانبه وزرای خارجه این کشورها در ژوئن همان سال در پایتخت برزیل به امضا رسید. مهم‌ترین اهدافی اعلامی اعضای ایبسا طبق اسناد و بیانیه‌های آن عبارتند از: ارتقای همکاری‌های جنوب- جنوب،

^۱. BRICS (Brazil, Russia, India, China and South Africa)

^۲. BRIC (Brazil, Russia, India and China)

^۳. IBSA Dialogue Forum (India, Brazil, South Africa)

توسعه همکاری‌های تخصصی سه‌جانبه، تقویت نهادهای بین‌المللی و چندجانبه، اولویت دیپلماسی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، توجه به محیط زیست، ارتقاء عدالت و اصلاح ساختار شورای امنیت (1st IBSA Declaration, 2006).

بریک به‌عنوان گروهی متشکل از قدرت‌های نوظهور در ابتدا در سال ۲۰۰۱ توسط جیم اونیل^۱ اقتصاددان برجسته موسسه گلدمن ساچ^۲ مطرح شد. اونیل در آن زمان مدعی شد که اعضا این گروه در دهه‌های آینده نقش مهم‌تری در روابط و روند قدرت در سطح جهان خواهند داشت و از کشورهای توسعه یافته اروپایی پیشی خواهند گرفت (O'Neill, 2001:5). هر چند در سال‌های ابتدایی هزاره جدید رایزنی‌هایی در قالب نشست‌های دوجانبه و چندجانبه کشورهای برزیل، هند، روسیه و چین برای گروه‌بندی جدید آغاز شده بود ولی نخستین نشست اعضا بریک در سال ۲۰۰۹ در روسیه برگزار شد که بر موضوعاتی نظیر همکاری‌های تجاری و اقتصادی، حمایت از چندجانبه‌گرایی و حقوق بین‌الملل، برابری و هماهنگی در اتخاذ تصمیمات تأکید شد (موسی‌زاده و خسروی، ۱۳۹۴: ۱۱۷-۱۱۶). اعضا این گروه از جمله بزرگترین و پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان به‌شمار می‌روند. در کنار تأثیرگذاری عوامل سیاسی نظیر هم‌سویی نسبی در سیاست خارجی و رویکرد به نظام بین‌المللی، گسترش همکاری‌های اقتصادی بین آنها و ایفای نقش بیشتر در زمینه مدیریت مسائل تجاری و مالی جهانی از اهداف اولیه ظهور بریک و انگیزه‌های اعضا آن بود (Hounshell, 2011).

یک سال پس از نخستین نشست رسمی و تشکیل بریک در سال ۲۰۱۰، وزرای امور خارجه کشورهای عضو آن موافقت خود را با پیوستن آفریقای جنوبی به این گروه‌بندی سیاسی-اقتصادی اعلام کردند و نام آن به بریکس تغییر پیدا کرد (Smith, 2011). اجلاس‌های سالانه بریکس از سال ۲۰۱۰ تاکنون به‌طور مرتب در یکی از کشورهای عضو برگزار شده است. این گروه‌بندی طی بیش از یک دهه اخیر توانسته‌اند نقش خود را در موضوعات مختلف جهانی افزایش داده و در کنار موضوعات اقتصادی، در پی ایفای نقش فعالانه در موضوعات سیاسی نیز بوده‌اند؛ به‌طوری‌که در نشست اعضا در سال ۲۰۱۵ مبارزه با تروریسم بین‌المللی به‌عنوان دستور کار نشست تعیین شد (موسی‌زاده و خسروی، ۱۳۹۴: ۱۱۸). تعریف این دستور کار برای این بلوک سیاسی و اقتصادی، توانمندی برزیل به‌عنوان یکی از اعضای اصلی آن را در جهت ارتقاء جایگاه خود در نظام بین‌المللی طی یک دهه اخیر افزایش داده است.

1. Jim O'Neill

2. Goldman Sachs

۲-۲- جایگاه و دلایل اهمیت بریکس

هر چند تفاوت‌هایی بین اعضاء بریکس وجود داد اما طی بیش از یک دهه گذشته با برگزاری نشست‌های سالانه و متعدد در پی تعقیب اهداف مشترک و گسترش همکاری‌ها بوده است. با توجه به اهداف اعضاء و پیوستگی موضوعات همکاری‌های اقتصادی با مسائل سیاسی بین‌المللی، این بلوک از همان ابتدا از ماهیت سیاسی نیز برخوردار شد. بریکس گروه‌بندی قدرتمند و مهمی است که بخش زیادی از عناصر پایه‌ای قدرت، یعنی ۲۷ درصد از سرزمین و ۴۲ درصد از جمعیت جهان را دربردارد. همه پنج کشور عضو این گروه‌بندی عضو گروه ۲۰ به‌شمار می‌روند. با توجه به چنین ظرفیتی، این گروه‌بندی در پی تغییر در ساختارهای اقتصاد جهانی و تقویت همکاری‌های فی‌مابین اعضاء است (Marquand, 2011).

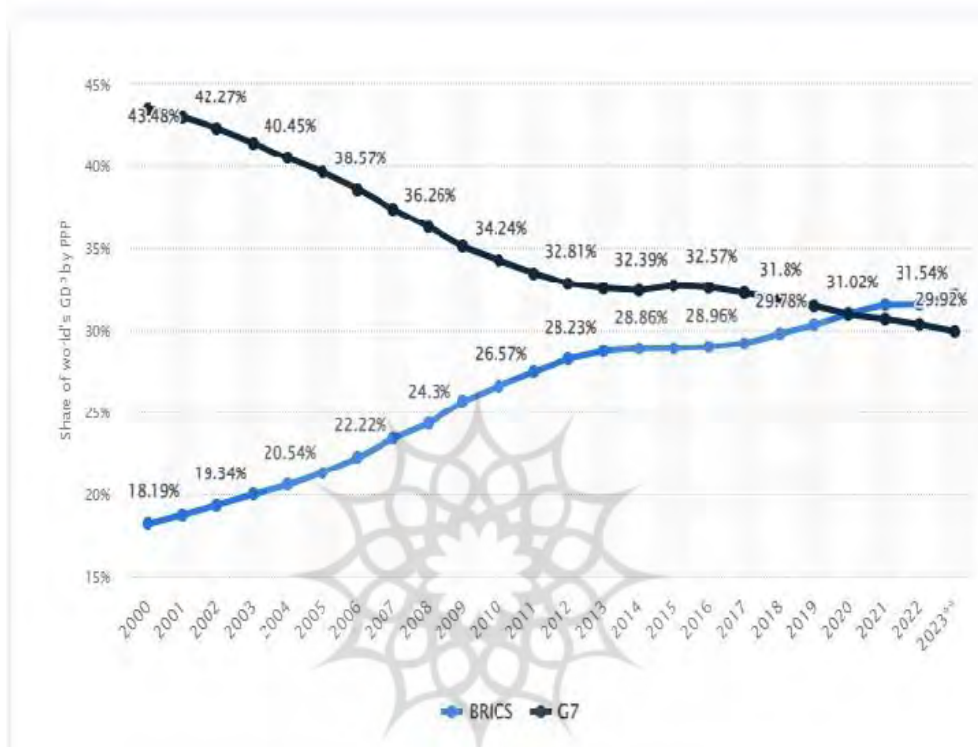
۲-۲-۱- اهمیت اقتصادی بریکس

حجم تولید ناخالص داخلی^۱ این گروه‌بندی به سرعت در حال رشد است و سهم آن در اقتصاد جهانی نیز بر همین اساس در حال افزایش است. طبق آمارهای نیمه نخست سال ۲۰۲۳، حجم تولید ناخالص داخلی اعضاء بریکس ۳۱/۵ درصد از کل تولید ناخالص داخلی جهان را تشکیل می‌دهد. در حالی اعضاء بریکس این سهم از تولید ناخالص داخلی جهان را دارا هستند که اعضاء گروه هفت^۲ به‌عنوان هفت کشور پیشرو صنعتی جهان ۳۰/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را دارند (Devonshire- Ellis and Ramezani Bonesh, 2023). این در حالی است که در زمان شکل‌گیری بریکس حجم تولید ناخالص داخلی اعضاء آن کمتر از گروه هفت بود و از آنجا که وضعیت رشد اقتصادی اعضاء بریکس به میزان قابل ملاحظه‌ای از اعضاء گروه ۷ بیشتر است و باید منتظر افزایش سهم بیشتر اعضاء بریکس در آینده باشیم. علاوه بر رشد اقتصاد و افزایش سهم این گروه‌بندی و اعضاء آن، تکمیل روند ورود اعضاء جدید به بریکس نیز باعث افزایش اهمیت و ظرفیت آن خواهد شد.

1. GDP (Gross Domestic Product)

2. G7

تصویر ۱- مقایسه روند تغییر تولید ناخالص داخلی (GDP by PPP) بریکس با گروه ۷ و سهم آن‌ها در جهان



منبع: (Statista Research Department, 2023)

علاوه بر ضرورت توجه به جایگاه بریکس در اقتصاد جهانی با توجه به سهم این گروه در تولید ناخالص داخلی جهان، این گروه‌بندی به دلایل دیگری نیز دارای اهمیت است. بریکس با دارا بودن ذخیر ارزی ۱۰۰ میلیارد دلاری برای همه پنج عضو، دستاوردهایی در مقابله با یک‌جانبه‌گرایی داشته و می‌تواند از این موقعیت به‌عنوان آلترناتیوی در مقابل نهادهای تحت کنترل غرب مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول بهره‌برداری نماید. با توجه به چنین ظرفیتی و همچنین بیانیه‌ها و نتایج نشست‌های بریکس، چشم‌اندازهایی در خصوص ایجاد جایگزینی در مقابل سازوکار سوئیفت و استفاده از ارزهای ملی یا ایجاد ارز مشترک برای جایگزینی دلار در تبادلات تجاری وجود دارد (infobrics, 2023). در این چارچوب، بریکس موفق به ایجاد سازوکار و ساختارهایی شده که تأثیراتی بر اقتصاد

جهانی و کشورهای عضو داشته است. «بانک جدید توسعه بریکس»^۱ به‌عنوان یک جایگزین برای بانک جهانی تاکنون اجرای ۹۰ پروژه به ارزش ۳۲ میلیارد دلار برای حمایت از زیرساخت‌های اعضا را تأیید کرده است (Devonshire-Ellis and Ramezani Bonesh, 2023).

چنین ظرفیتی در بریکس می‌تواند ابزارهایی در اختیار برزیل جهت تعقیب اهداف سیاست خارجی خود در موضوعات اقتصادی و همچنین مدیریت چالش‌ها فراهم نماید و همچنین قدرت چانه‌زنی آن در مقابل کشورهای توسعه یافته را نیز افزایش دهد. در این رابطه، همکاری‌های اقتصادی بین اعضا در چهاردهمین نشست اعضا در سال ۲۰۲۲ مورد توجه قرار گرفت. به‌نحوی که اعضا بریکس بر همکاری بیشتر برای مواجهه با بحران‌های جهانی، شکل‌دهی به راهبرد اقتصادی چندقطبی، توسعه مسیرهای مالی و تجاری بدیع، متنوع‌سازی اقتصاد، کاهش هزینه‌ها و همکاری با دیگر کشورهای در حال توسعه تأکید کردند (Ministério das Relações Exteriores, 2022). این روند بستری برای بهبود جایگاه و اهمیت برزیل در مباحث اقتصادی و سازوکارهای مالی جهانی فراهم کرده و در نهایت روند در ارتقاء جایگاه بین‌المللی آن مؤثر بوده است.

۲-۲-۲- اهمیت سیاسی بریکس در ساختار نظم بین‌الملل

پس از پایان جنگ سرد، جهان با یک نظام تک‌قطبی به رهبری آمریکا مواجه بود و این ساختار در دهه ۱۹۹۰ با برتری و قابلیت‌های چندجانبه (در موضوعات اقتصادی، سیاسی، نظامی) آمریکا تعمیق شد. در آغاز هزاره جدید هر چند برخی قدرت‌ها در یک حوزه توان رقابت با آمریکا را داشتند لکن چند بعدی بودن عناصر برتری آمریکا موجب تداوم سلطه آن شد. با این وجود، در سال‌های ابتدایی هزاره جدید، به‌دلیل ظهور قدرت‌های نوظهور امکان ایجاد رقابت با آمریکا در برخی موضوعات فراهم شد و شاهد افول برتری آمریکا بوده‌ایم. در این چارچوب، قدرت‌های نوظهور با هدف تلاش برای افزایش قدرت و ثروت خود در پی ارتقاء جایگاه و توان تأثیرگذاری خود بوده‌اند (Ikenberry, 2014: 6). نکته قابل توجه در خصوص کنش‌گری قدرت‌های نوظهور، تلاش آنها برای نقش‌آفرینی فعال در مسائل سیاسی و اقتصادی بدون ایجاد چالش در خصوص هنجارها و ساختار نظام بین‌الملل غالب و کنش‌گری در چارچوب ساختار نظم کنونی برای ارتقاء جایگاه خود در آن نظم است. به‌طوری که با افزایش توان خود، به ایجاد موازنه در قالب قدرت مسلط در حال افول پرداخته و تأثیرگذاری خود را در روند تصمیم‌گیری در ساختار کنونی را گسترش دهند. رویکرد کشورهای نظیر برزیل و دیگر اعضا

^۱. BRICS New Development Bank

بریکس با وجود چالش‌های پیش‌رو در موضوعات اقتصادی و سیاسی در این قالب قابل تحلیل است. مفهوم «قدرت در حال ظهور» در مورد اعضاء بریکس به جای مفاهیمی مانند قدرت تجدیدنظرطلب به همین منظور کاربرد دارد (Chardell, 2015). در واقع، این کشورها ضمن عدم مخالفت با بنیادها و ساختار نظم کنونی، با برخی هنجارهای مسلط غربی مخالفت کرده و در صدد ارتقای جایگاه خود در نظام بین‌الملل کنونی هستند.

بریکس به‌عنوان کنش‌گر سیاست خارجی بین‌قاره‌ای، در تمامی مناطق جهان جنوب حضور دارد و بر هم‌بستگی افقی در مقابل سلطه غرب تأکید دارد و به‌دنبال رهبری جهان در حال توسعه در همه موضوعات جهانی است. نتایج حاصل از نشست‌های بریکس نشان می‌دهد این گروه‌بندی توجه ویژه‌ای به موضوعات امنیت سایبری، مبارزه با تروریسم، امنیت حمل‌ونقل و بحران‌های منطقه‌ای دارد که بیانگر کنش‌گری آن در مسائل حساس جهانی است. بریکس همچنین در موضوعات مرتبط با فن-آوری، بهداشتی، زیست‌محیطی و توسعه نیز نقش‌آفرینی دارد (یزدانی و مرادی‌فر، ۱۳۹۶: ۵۶).

در این راستا، قدرت‌های نوظهور در بریکس به ایجاد موازنه و مقاومت در برابر هژمونی تحت رهبری آمریکا تمایل دارند. با توجه به این امر، بریکس در بیانیه‌ها و نشست‌های خود ابراز داشته است که در پی اصلاحات در ساختارهای موجود بین‌الملل یاز جمله بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان ملل برای توزیع مجدد قدرت سیاسی و اقتصادی در نظم بین‌المللی هستند. نمونه عملی تعقیب چنین سیاستی، حمایت و استقبال بریکس از نامزدهای کشورهای در حال توسعه برای رهبری بانک جهانی بوده است (BRICS Summit: 2012).

جایگاه اعضاء بریکس در ساختارهای کنونی سازمان ملل به‌ویژه شورای امنیت و همچنین توجه آن به تغییر ساختارهای کنونی با هدف ایجاد زمینه برای تأثیرگذاری بیشتر بریکس، موضوع مهم دیگری در تبیین دلایل اهمیت سیاسی و بین‌المللی این گروه‌بندی است. چین و روسیه در میان اعضاء بریکس عضو دائمی شورای امنیت هستند و هند، برزیل و آفریقای جنوبی نیز (در کنار دولت‌های آلمان و ژاپن) از جمله کشورهایی هستند که بیشترین تجربه را در میان کشورهای در حال توسعه جهان در خصوص انتخاب به‌عنوان عضو غیردائمی شورای امنیت داشته‌اند و از زمان تشکیل بریکس نیز از ظرفیت بیشتری در این خصوص بهره‌مند شده‌اند؛ به‌طوری که در سال ۲۰۱۱ همه اعضاء بریکس عضو شورای امنیت بودند. این موضوع پیش از هر چیز بیانگر جایگاه ممتاز این گروه‌بندی است. بریکس همواره بر اصلاح ساختار سازمان ملل و شورای امنیت تأکید داشته است و این موضوع در نشست سال ۲۰۱۳ نیز با بیان این‌که شورای امنیت نیازمند اصلاحاتی با هدف نمایندگی بیشتر جهان

با هدف پاسخ‌گویی به چالش‌هایی جهانی است، مورد توجه قرار گرفت (BRICS Summit: 2013). در واقع رشد اقتصادی و ظهور قدرت‌های نوظهور مانند برزیل و هند در کنار ایجاد گروه‌بندی‌هایی نظیر بریکس باعث برجسته شدن مباحث مربوط به ورود چنین کشورهایی به شورای امنیت و عضویت آن‌ها شده است (IPEA, 2015: 64). این رویکرد بریکس تأثیراتی بر الگوی رای‌دهی اعضای آن در سازمان ملل داشته است. به‌طوری‌که آفریقای جنوبی که غالباً در رای‌دهی متمایل به کشورهای اروپایی و آمریکایی بود از زمان عضویت در بریکس و از جمله در زمان عضویت در شورای امنیت در سال ۲۰۱۱ متمایل به الگوی رای‌دهی دیگر اعضای بریکس از جمله چین و روسیه شده است (یزدانی و مرادی‌فر، ۱۳۹۶: ۵۲).

علی‌رغم نکات مهم فوق در خصوص شورای امنیت، همکاری اعضا بریکس و اهمیت آن به مسائل شورای امنیت و نظام بین‌المللی محدود نبوده و در اجلاس‌های مختلف شاهد بهره‌برداری از این بلوک برای تأثیرگذاری بیشتر اعضا بوده‌ایم. برای مثال، در مورد کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی و در حاشیه اجلاس کپنهاگ، چهار عضو بریکس (به‌غیر از روسیه) یک گروه‌بندی در درون اجلاس تشکیل داده و تلاش داشتند تا مواضع خود را به‌صورت مشترک در تدوین کنوانسیون وارد نمایند. این موضوع در مورد مسائل مرتبط به دسترسی به انرژی و بهره‌وری انرژی برای اعضای مانند برزیل دارای اولویت بوده و باعث کاهش فشارها بر آن‌ها شده است (IPEA, 2015: 65).

۳- رویکرد برزیل نسبت به نظم بین‌المللی و نقش بریکس

میزان و نحوه مشارکت کشورها در معادلات جهانی نیز بدون تردید در تعیین موقعیت آن نقش به‌سزایی دارد. بین مشارکت گسترده و توانمندی‌های یک کشور، رابطه‌ای دوسویه برقرار است. به‌میزانی که توانمندی یک کشور در زمینه‌های گوناگون بالا باشد، فرصت مشارکت در معادلات بین‌المللی نیز فراهم می‌شود. برزیل از اوایل دهه ۱۹۹۰ و بعد از سقوط نظام دوقطبی تلاش داشته است نقش و جایگاه خود را در نظام بین‌المللی ارتقا دهد. این موضوع به خوبی توسط فرناندو د ملو رئیس‌جمهور وقت برزیل در آن زمان مورد تأکید قرار داشته است. وی با اشاره به تغییرات شگرف در روابط بین‌الملل و پایان جنگ سرد بر ضرورت افزایش نقش‌آفرینی برزیل تأکید کرده است. در این چارچوب وی به استفاده از ظرفیت دیپلماسی در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی اشاره داشته است. این مسیر در دولت‌های بعدی برزیل نیز تعقیب شده و مورد تأکید لولا داسیلوا^۱ نیز قرار گرفته است. در این

^۱. Luiz Inácio Lula da Silva

چارچوب، دا سیلوا اعلام کرد برزیل تلاش خود را برای نزدیکی به قدرت‌های در حال ظهوری مانند چین، هند، روسیه و آفریقای جنوبی انجام داده است. وی معتقد است برزیل نقشی بنیادین در ساختن جغرافیای تجاری و اقتصادی بین‌المللی جدید دارد (فاخری و عظیمی، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۹۹).

تشکل ائتلاف‌ها و نمود عملیاتی آن در قالب شکل‌دهی به بلوک‌های هم‌سو، بخشی از سیاست خارجی برزیل و رویکرد آن نسبت به نظام بین‌الملل بوده است. اهداف اعلامی تشکیل ایبسا در سال ۲۰۰۳ و رویکرد برزیل در شرکت در چنین ائتلاف‌های بین‌المللی بیان‌گر تلاش این کشور در جهت پررنگ کردن حضور خود در نظام بین‌المللی در چارچوب همکاری‌های چندجانبه بین کشورهای جنوب است (1st IBSA Declaration, 2006). این موضوع به تشکیل ایبسا محدود نشد و برزیل در کنار دیگر قدرت‌های نوظهور با شکل‌دهی به بریک و پس از آن بریکس رویکرد سیاست خارجی خود نسبت به نظام بین‌الملل و جایگاه خود در آن نظام را تعریف و عملیاتی کرده‌اند.

یکی از مهم‌ترین ابعاد سیاست خارجی برزیل این است که این کشور از مسیر بریکس به یکی از اهداف تاریخی سیاست خارجی خود یعنی تأثیرگذاری و دیده شدن در صحنه بین‌المللی نزدیک شده است. بدین نحو که در چارچوب بریکس به‌عنوان یک شبکه جدید بین‌المللی، نگرانی‌ها و اولویت‌های برزیل بین‌المللی شده و آن را به‌عنوان کشوری پیشرو در یک بلوک مهم تبدیل کرده است. همچنین بریکس توانمندی برزیل در ایجاد ارتباط بین کشورهای دارای اولویت مشترک اما دارای ایدئولوژی متفاوت را نمایان کرد. علاوه بر این، برزیل با همکاری در چارچوب بریکس به اهداف دیگری در نظام بین‌المللی نیز نزدیک شده است. برزیل نه تنها توانسته است اولویت‌های خود را در قالب بریکس جهانی نماید بلکه حضور منطقه‌ای خود را با جذب سرمایه بیشتر کرده و همچنین با همراهی اعضای مانند چین حضور فرمانطقه‌ای (در مناطقی مانند آفریقا) را نیز گسترش داده است. این موضوع با منافع مستقیم و رویکرد کلان بین‌المللی برزیل هم‌سویی دارد (Doval, 2015: 10-11).

۴- اولویت بریکس و اعضاء آن در سیاست خارجی برزیل

برزیل در دو دهه اخیر در پی تبدیل به کنش‌گری جهانی بوده است. برزیل به‌منظور شناسایی به‌عنوان کنش‌گری جهانی، پنج اولویت را برای سیاست خارجی خود تعریف کرده است. سه مورد از این محورها بر شرکای اصلی مرکوسور^۱ یعنی آمریکا، اروپا و منطقه پاسیفیک (با تمرکز بر ژاپن) و همچنین دیگر قدرت‌های منطقه‌ای - که بریکس را تشکیل دادند- توجه دارد. رهبران برزیل در این

^۱. Mercosur

دوران متوجه شدند که به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای ناچار به پیوستن به فشار مشترک با کشورهای هم‌سطح برای دفاع از منافع مشترک و افزایش تأثیرگذاری است. برزیل در چارچوب این محورها، قبل از تشکیل رسمی بریکس و در چارچوب هدف کلی خود یعنی ارتقاء جایگاه جهانی، روابط خود را با اعضاء بریکس افزایش داده بود و با تشکیل آن این روند با جدیت بیشتری تعقیب شد. در اواخر دهه ۱۹۹۰ و دهه نخست قرن ۲۱، روابط برزیل با چین افزایش چشم‌گیری داشت؛ به‌طوری که در آستانه تشکیل بریکس، چین به مهم‌ترین شریک تجاری برزیل تبدیل شد. دو کشور در حوزه‌هایی مانند زیرساخت، انرژی، صنایع سنگین و هوافضا همکاری داشتند. این روابط در سال ۲۰۱۲ تا مشارکت راهبردی جامع ارتقا یافت و در سال ۲۰۱۷ نیز صندوق همکاری دو کشور تشکیل شد. همچنین برزیل بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۲۰ حدود ۶۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری از چین دریافت کرد (Paiva and et al., 2020: 138-139).

روابط راهبردی برزیل با روسیه نیز در دهه ۱۹۹۰ عمیق شد و با سفر پریماکوف وزیر امور خارجه وقت روسیه به برزیل همکاری‌های عالی دو کشور در آستانه هزاره جدید شکل گرفت. یکی از دلایل این افزایش روابط، اهمیت و جایگاه دو کشور در شرایط جهانی شدن بعد از پایان جنگ سرد بود؛ هر چند تلاش و رویکرد دو کشور به چندجانبه‌گرایی و افزایش تأثیرگذاری نقش خود در این روند نقش بیشتری داشت و این مسیر پس از تشکیل بریکس تقویت شد. در چنین فضایی، برزیل شریک نخست تجاری روسیه در آمریکای لاتین شد و با رشد قابل توجه صادرات روسیه به برزیل، نزدیکی اقتصادهای دو کشور نیز بیشتر از گذشته شد (Roy, 2022).

همانند چین و تاحدودی روسیه، هند طی دو دهه اخیر به یکی از شرکای مهم برزیل در نشست‌های بین‌المللی تبدیل شده است. همکاری و هم‌سویی در نشست‌های مرتبط با تدوین قوانین تجارت بین‌المللی، گروه ۲۰ و همچنین تدوین قوانین آزادسازی بازار محصولات کشاورزی از جمله این موارد در حوزه اقتصادی است. در مسائل سیاسی نیز رویکرد مشترک دو کشور به شورای امنیت باعث تقویت رویکرد سیاست خارجی برزیل به هند شده است. آفریقای جنوبی نیز در چارچوب همکاری‌های جنوب-جنوب و همچنین در قالب عضو جدید بریکس یکی از اولویت‌های سیاست خارجی برزیل محسوب می‌شود. علاوه بر بریکس، نشست‌گفت‌وگوها در چارچوب ایپسایک نمونه همکاری با آفریقای جنوبی در کنار هند است که یک همکاری سه‌جانبه سیاسی-اقتصادی را شکل داده‌اند (Paiva and et al., 2020: 139-140).

هر چند در دوران ریاست جمهوری یک دوره‌ای بولسونارو^۱ رئیس‌جمهور پیشین برزیل، آمریکا در اولویت سیاست خارجی برزیل قرار گرفت و در آن دوره نیز انتقادهایی از چین مطرح کرد ولی این روند تبدیل به رویکرد کلی سیاست خارجی برزیل نسبت به بریکس و اعضاء آن نشد (Shively and Negreiros, 2022: 7-8). به طوری که نه تنها روابط اقتصادی با اعضا بریکس افول نکرد بلکه با به قدرت رسیدن لولا دا سیلوا مجدداً بریکس اولویت خود را در سیاست خارجی برزیل به دست آورد (Devonshire-Ellis and Ramezani Bonesh, 2023).

۵- اهداف برزیل در چارچوب بریکس و وضعیت روابط با اعضاء آن

۵-۱- سیاسی و بین‌المللی

دفاع از چندجانبه‌گرایی به استثناء موارد معدود مانند دوران بولسونارو، یکی از هسته‌های اصلی سیاست خارجی برزیل است. در این چارچوب، یکی از اهداف اصلی برزیل در بریکس عملکرد آن به عنوان یک سکوی سازنده برای همکاری در فرآیند اصلاح نهادهای چندجانبه است. از نگاه اعضاء بریکس از جمله برزیل، افزایش وزن اقتصادی اعضاء بریکس آن‌ها را شایسته داشتن نقش بیشتر در حکمرانی جهانی کرده و برزیل در قالب همکاری با بریکس خواستار ایفای نقش و قدرت بیشتر در روند اتخاذ تصمیمات چندجانبه بوده است (Pereira, 2023). از نگاه واقع‌گرایانه، برزیل و دیگر اعضاء با تشکیل بریکس و بهره‌برداری از ظرفیت آن به نوعی روند ائتلاف‌سازی در چارچوب نیل به اهداف سیاست خارجی خود، ارتقاء جایگاه برای برزیل، را تعقیب کرده‌اند.

در راستای چنین رویکردی، لولا دا سیلوا در دوران ریاست جمهوری خود در پی تعریف جایگاه برزیل در صحنه جهانی بود. وی با تصمیمات و رفتارهایی نظیر امتناع از تأمین تسلیحاتی اوکراین علیه روسیه، تلاش برای عادی‌سازی روابط با ونزوئلا و تصمیم برای مجوز پهلوگیری ناوگان دریایی ایران نشان داد که در پی گسست در ساختار کنونی و ایجاد یک جهان چندقطبی است. چنین رفتارهایی با راهبردهایی نظیر ارتقاء روابط با چین و ابتکاراتی در سطح آمریکای لاتین همراه شده است. این رویکرد نه تنها زمینه ارتقاء جایگاه برزیل را فراهم کرده بلکه نقش نهادهایی مانند برتون وودز را نیز به هم ریخته است (Tapay-Cueva and Dong, 2023). این رویکرد به یکی از موضوعات چالش‌برانگیز برای برزیل و مدیریت مواضع و روابط در موضوعاتی مانند تقابل آمریکا با چین و روسیه است. برزیل در چند سال اخیر تلاش داشته است در چارچوب راهبرد چندجانبه‌گرایی و توازن در سیاست خارجی،

^۱. Jair Bolsonaro

از پیروی کامل از غرب اجتناب کرده و روابط خود را با روسیه و چین علی‌رغم فشارها حفظ و گسترش دهد (Pereira, 2023).

با توجه به اهمیت چندجانبه‌گرایی و تلاش برای ایفای نقش بیشتر در صحنه بین‌المللی و در موضوعات سیاسی، برزیل در پی ایفای نقش در عرصه‌های مختلف و در همکاری با شرکای مختلف از جمله کشورهای جنوب بوده است. به طوری که افزایش حضور در مجامع بین‌المللی با هدف کسب حمایت کشورهای در حال توسعه و نزدیکی به آنها و حضور در شورای امنیت سازمان ملل بوده است. حضور در عملیات‌های حفظ صلح سازمان ملل در کنار دیگر قدرت‌های نوظهور از جمله این موارد هستند (زرگری، ۱۳۸۹: ۱۹۲-۱۹۱).

موضوع عضویت برزیل در شورای امنیت و اصلاح ساختار آن نیز بخش مهمی از اهداف برزیل در همکاری با بریکس محسوب می‌شود. این موضوع از سال‌های نخست تأسیس بریکس و در همه نشست‌های آن مورد تأکید اعضا قرار داشته و از سوی برزیل با اولویت بیشتری دنبال شده است؛ به طوری که رهبران برزیل نه تنها در اجلاس‌های بریکس بلکه در سخنرانی‌های خود در مجمع عمومی سازمان ملل همواره بر آن تأکید داشته‌اند. نکته مهم در این خصوص، تلاش برزیل برای بهره‌برداری از سکوی بریکس برای رسیدن به جایگاه عضویت در شورای امنیت، اصلاح ساختار آن و تقویت چندجانبه‌گرایی است و این موضوعی است که همواره مورد تأکید این کشور قرار داشته است. می‌توان گفت که این موضوع از اهداف اصلی برزیل در تشکیل بریکس قلمداد می‌شود. هر چند برزیل یکی از کشورهایی است که با ۱۱ مرتبه عضویت در شورای امنیت بیشترین حضور به‌عنوان عضو غیردائم را در شورای امنیت داشته است اما چنین وضعیتی برای برزیل رضایت‌بخش نیست و با بهره‌برداری از ظرفیت بریکس و در همراهی با کشورهای دیگر در پی اصلاح ساختار شورای امنیت و عضویت دائم در آن است (Suparmanto, 2015). حضور مجدد لولا دا سیلوا به‌عنوان رئیس‌جمهور با بازگشت سیاست خارجی برزیل به نقش جهانی آن و توجه بیشتر به بریکس هم‌زمان شد. در چنین شرایطی برزیل تلاش دارد با ایجاد پلی بین مرکوسور و بریکس نقش آفرینی خود را برجسته‌تر نماید (Devonshire-Ellis and Ramezani Bonesh, 2023).

۵-۲- اقتصاد

همکاری‌های اقتصادی- تجاری دوجانبه با اعضای بریکس و چندجانبه در قالب نهادهای بین‌المللی یک وجه و هدف مهم دیگر رویکرد برزیل به بریکس و استفاده از ظرفیت آن است. برزیل در پی

دستیابی ارتقاء جایگاه جهانی خود به عنوان یک راهبرد کلان، از ابزارها و موقعیت اقتصادی نیز بهره- برداری می‌کند. رشد مداوم اقتصادی برزیل و بهره‌برداری از چارچوب‌هایی نظیر بریکس و مرکوسور در راستای چنین نگاهی قرار دارد. برزیل در چارچوب بریکس در پی همکاری با دیگر قدرت‌های نوظهور به منظور تأمین برخی نیازهای تجاری خود، متنوع‌سازی تجارت خارجی و همچنین تأثیرگذاری بیشتر در نهادهای مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و دیگر نهادهای اقتصادی بین‌المللی است و در ائتلاف با اعضا دیگر این ائتلاف رویکرد مشترکی تعقیب می‌کند (Suparmanto, 2015).

برزیل همچنین با هدف تعقیب اهداف کلان سیاسی و اقتصادی خود طی دو دهه اخیر روابط خود با کشورهای آفریقایی و جنوب را افزایش داده است. در زمینه اقتصادی با توجه به اقتصاد رو به رشد برزیل، این کشور خود را نیازمند منابع انرژی برای تأمین نیازهای صنایع خود می‌پندارد. علاوه بر این، یافتن بازارهای صادراتی با توجه به ظرفیت‌های بازار گسترده این شرکا، از دیگر اولویت‌های اقتصادی برزیل محسوب می‌شود (زرگری، ۱۳۸۹: ۱۹۲).

علاوه بر تمرکز برزیل بر بهره‌برداری از ائتلاف با اعضا بریکس برای تأثیرگذاری بیشتر در نهادهای تجاری- اقتصادی بین‌المللی، در حوزه روابط تجاری دوجانبه نیز بخش قابل توجهی از نیازهای اقتصادی و همچنین صادرات برزیل در پیوند با اعضا بریکس قرار دارد. آمارهای چند سال اخیر تجارت خارجی برزیل به‌خوبی جایگاه مهم و قابل توجه اقتصادی بریکس برای برزیل را بازگو می‌کند. همان‌طور که جدول زیر نشان می‌دهد حدود ۳۰ درصد از کلیه تجارت خارجی برزیل به روابط تجاری با اعضا بریکس محدود می‌شود و چین به‌عنوان عضو مهم بریکس شریک نخست تجارت خارجی بریکس قلمداد می‌شود.

جدول ۱- روابط تجاری برزیل با اعضا بریکس و جایگاه بریکس در تجارت خارجی برزیل (۲۰۲۲)

کشور	صادرات از برزیل	واردات به برزیل
چین	۸۹ میلیارد و ۷۱۸ میلیون دلار	۶۷ میلیارد و ۷۶۷ میلیون دلار
هند	۶ میلیارد و ۳۴۰ میلیون دلار	۹ میلیارد و ۶۰۲ میلیون دلار
روسیه	یک میلیارد و ۹۷۳ میلیون دلار	۸ میلیارد و ۶۲۹ میلیون دلار
آفریقای جنوبی	یک میلیارد و ۷۲۵ میلیون دلار	۹۵۱ میلیون دلار
مجموع تجارت با اعضا بریکس	۹۹ میلیارد و ۷۵۶ میلیون دلار	۸۶ میلیارد و ۹۴۹ میلیون دلار
مجموع تجارت خارجی برزیل	۳۳۴ میلیارد دلار	۲۹۲ میلیارد دلار

منبع: (Trendeconomy, 2023)

همان‌طور که آمار جدول فوق نشان می‌دهد، ۳۰/۷ درصد از کل صادرات برزیل به چهار کشور دیگر عضو بریکس صادر می‌شود و مبدا ۲۹/۷ درصد از واردات برزیل نیز این چهار کشور هستند. این موضوع بیانگر اهمیت اقتصادی این کشورها برای برزیل، میزان نزدیکی و وابستگی متقابل آن‌ها، و جایگاهشان در راهبرد کلان سیاست خارجی برزیل است. طبق آمار تجارت خارجی برزیل، چین با دارا بودن سهم ۲۶ درصد از صادرات و ۲۳ درصد از واردات برزیل شریک نخست تجاری برزیل بوده که جایگاه آن را بالاتر از آمریکا قرار می‌دهد. همچنین هند در لیست ۱۰ مقصد برتر صادراتی برزیل قرار دارد و این کشور در کنار روسیه به ترتیب پنجمین و ششمین صادرکننده کالا به برزیل هستند (Trendeconomy, 2023). تجارت برزیل و چین در سال ۲۰۲۲ با رشد سالانه بیش از ۸ درصد به بیش از ۱۶۵ میلیارد دلار رسید. در ادامه این شراکت راهبردی، دو کشور در آوریل ۲۰۲۳ توافق‌نامه‌های تجاری متعددی با هدف افزایش تجارت امضا کردند که شامل ابعاد سرمایه‌گذاری نیز می‌شوند و پیوندهای آنها را تقویت می‌کند. تجارت خارجی برزیل با دیگر اعضای بریکس نیز همین مسیر را طی می‌کند. هند در سال ۲۰۲۲ پنجمین شریک تجاری برزیل بود و تجارت دو کشور رشد ۵۰ درصدی نسبت به سال ۲۰۲۱ داشته است. موضوع مهم سیاسی در روابط خارجی برزیل، رشد تعاملات تجاری با روسیه است که با وجود تحریم‌ها و افزایش فشارهای غرب علیه مسکو، همچنان مسیر خود را حفظ کرده است و اهمیت چندجانبه‌گرایی از سوی برزیل و بریکس و مواضع و رویکرد مشترک سیاسی و اقتصادی اعضای آن را نشان می‌دهد. تجارت برزیل و روسیه در سال ۲۰۲۲ به بیش از ۱۰ میلیارد دلار رسید که افزایش چشم‌گیری نسبت به سال قبل را داشته است (Devonshire-Ellis and Ramezani Bonesh, 2023).

این آمار از روابط تجاری برزیل با اعضا بریکس و مقایسه آن با حجم تجارت خارجی برزیل نشان می‌دهد که این کشور در موضوعات اقتصادی نیز همانند مسائل سیاسی از جمله چندجانبه‌گرایی و بهره‌برداری از ظرفیت سیاسی بریکس، در حوزه اقتصادی نیز در پی تأمین نیازهای اقتصادی خود از این مجموعه بوده و در سطح چندجانبه و بین‌المللی نیز در هم‌سویی و نزدیکی با این کشورها به‌منظور تأثیرگذاری بر تصمیمات نهادهای مالی و اقتصادی جهانی است.

نتیجه‌گیری

برزیل یکی از قدرتهای نوظهوری است که با دارا بودن عناصر سنتی قدرت از جمله مساحت و جمعیت همراه با رشد مداوم اقتصادی طی دو دهه اخیر به یکی از قدرتهای مهم تبدیل شده و با

افزایش حجم اقتصادی خود وارد رقابت با اقتصادهای برتر و بزرگ جهان شده است. عملکرد برزیل طی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد علی‌رغم رشد مداوم تلاش داشته است تأثیرگذاری و جایگاه خود را در سلسله مراتب قدرت در ساختار نظام بین‌الملل تغییر و ارتقا دهد و در راستای این هدف علاوه بر گسترش توانمندی‌های داخلی از ظرفیت و فرصت‌های موجود در نظام بین‌الملل مانند شکل‌دهی به بلوک‌بندی و ساختارهای جدید بهره‌مند شود. همکاری برزیل طی حدود دو دهه اخیر با کشورهای نظیر هند، چین، روسیه و آفریقای جنوبی در تشکیل نشست‌ها و گروه‌هایی مانند ایبسا، بریک و در نهایت بریکس در این چارچوب قابل ارزیابی است؛ به طوری که برزیل با آگاهی نسبت به هزینه‌های تغییر ساختار نظام بین‌الملل تلاش داشته است با بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود و ایجاد فرصت‌های جدید همانند ائتلاف‌سازی جایگاه خود را درون ساختار تغییر دهد.

برزیل و دیگر اعضای بریکس از زمان تشکیل نهایی آن در سال ۲۰۱۰ تلاش داشته‌اند با محوریت اصولی نظیر گسترش همکاری‌های اقتصادی بین اعضا، چندجانبه‌گرایی، حمایت از حقوق بین‌الملل و برابری در اتخاذ تصمیمات و تلاش برای تأثیرگذاری و ایفای نقش بیشتر در نهادها و نشست‌های بین‌المللی، جایگاه و اثرگذاری خود را در ساختار نظام بین‌المللی و نهادهای سیاسی و اقتصادی آن ارتقاء و گسترش دهند.

بریکس به دلایلی نظیر دارا بودن بیش از ۳۰ درصد از حجم تولید ناخالص داخلی جهان، وابستگی و جهت‌گیری اقتصادی اعضا و ایجاد ساختارهای جدید مانند بانک توسعه به یکی از بلوک‌های مهم اقتصاد جهانی تبدیل شده است. برزیل نیز با تمرکز هدفمند تجارت خارجی خود در قالب آن (با سهم حدود ۳۰ درصد از کل تجارت خارجی با چهار عضو بریکس) از ظرفیت اقتصادی بریکس برای تداوم رشد اقتصادی، تأمین نیازها برای صنعت رو به رشد، کاهش وابستگی به شرکای غربی و متنوع‌سازی و در مجموع ارتقاء خود در اقتصاد جهانی به‌عنوان یکی از ۱۰ اقتصاد برتر و بزرگ جهان بهره برده است. در حوزه سیاسی نیز بریکس جایگاه قابل توجهی کسب کرده است. هر کدام از اعضا بریکس دارای جایگاه قدرت مسلط منطقه‌ای در مناطق مختلف جهان هستند. بریکس همچنین با تعقیب اصولی مانند چندجانبه‌گرایی، استحکام انسجام اعضا در موضوعات و نشست‌های بین‌المللی و اجتناب از پیروی محض از غرب (مانند بحران اوکراین) به یک بازیگر مهم تبدیل شده است. همچنین دو عضو شورای امنیت در آن حضور داشته و برزیل و هند به‌عنوان نامزدهای عضویت دائم در شورای امنیت، علاوه بر پیگیری اصلاح ساختار آن، در موارد متعدد به‌عنوان عضو غیردائم انتخاب می‌شوند. چنین جایگاهی از نظر سیاسی و بین‌المللی باعث ایجاد ظرفیتی برای برزیل در تعقیب اهداف کلان سیاست

خارجی آن یعنی ارتقاء جایگاه در ساختار نظام بین‌الملل، ایفای نقش بیشتر و تقویت چندجانبه‌گرایی شده‌اند. نمود عینی بهره‌مندی از این ظرفیت تسهیل عضویت برزیل در شورای امنیت، مشارکت بیشتر در عملیات‌های حفظ صلح سازمان ملل و تعقیب و اجرای منافع و مواضع آن در موضوعات مختلف بین‌المللی از جمله مسائل مرتبط با انرژی و محیط زیست و یا مسائل اقتصادی بین‌المللی هستند.

به‌طور کلی می‌توان بیان داشت برزیل به‌عنوان یکی از بنیان‌گذاران بریکس، تشکیل و گسترش فعالیت آن را در راستای اهداف سیاسی و اقتصادی سیاست خارجی خود می‌داند و از ظرفیت آن در این مسیر همانند بیش از یک دهه گذشته، همانطور که در خصوص تأمین نیازهای تجارت خارجی، کسب سرمایه‌گذاری، تأثیرگذاری بر موضوعات و تصمیمات اقتصادی و مسائل سیاسی مانند تقویت چندجانبه‌گرایی، موازنه مجدد قدرت، ورود بیشتر و موثرتر در ارکان سازمان ملل و در نهایت تأثیرگذاری بیشتر و ارتقاء جایگاه بین‌المللی تشریح شد، بهره می‌برد. با این وجود، برزیل یا چالش‌هایی نیز در تعقیب اهداف خود در قبال بریکس مواجه است. هر چند ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی بریکس به ارتقاء جایگاه آن کمک کرده است لکن ورود اعضاء جدید به بریکس می‌تواند چالش‌هایی نظیر رقابت اقتصادی و سیاسی با اعضاء جدید در سطح منطقه‌ای ایجاد نماید. همچنین تفاوت در اولویت‌های اعضاء اصلی بریکس نیز می‌تواند یکی از مشکلات اعضاء آن در آینده باشد. مساله مهم دیگر فشارهای بازیگران و عناصر بیرونی به یکی از اعضاء مانند تحریم‌ها علیه روسیه می‌تواند بر کارایی بریکس و نهادهای آن اثرگذار باشد؛ هر چند تاکنون تحریم‌های اخیر علیه روسیه تأثیری بر مشارکت برزیل با روسیه در قالب بریکس نداشته است.

منابع و مأخذ

فارسی:

- پوراحمدی، حسین و عباسی خوشکار، امیر (۱۳۹۱). «مبانی رفتار سیاست خارجی روسیه در قبال پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال هشتم، شماره ۱، صص ۷۷-۳۹
- خردمندان، آرزو (۱۴۰۱). «بریکس، توانایی تغییر یا اصلاح سیستم روابط بین‌المللی»، *جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، سال پنجم، شماره ۱۱، صص ۳۶۲۵-۳۶۱۴
- زرگری، هادی (۱۳۸۹). «نگاهی به روابط برزیل و آفریقا»، *مطالعات آفریقا*، بهار و تابستان ۱۳۸۹، ش ۲۱، صص

- زیبائی، مهدی (۱۳۹۸). «سیاست خارجی: ابزار پیشرفت اقتصادی برزیل»، *سیاست جهانی*، دوره هفتم، شماره چهارم، صص ۹۸-۷۷.
- فاخری، مهدی و عظیمی، شمس‌الله (۱۳۹۲). «برزیل و اصلاح ساختار شورای امنیت: فرصت‌ها و چالش‌ها»، *فصلنامه روابط خارجی*، سال پنجم، شماره دوم، صص ۱۲۴-۹۳
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۸). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، تهران: سمت
- موسی‌زاده، رضا و بهنام خسروی (۱۳۹۴). «بریکس و نهادسازی بین‌المللی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۹، شماره ۴، صص ۱۴۵-۱۱۱.
- یزدانی، عنایت‌الله و سعیده مرادی‌فر (۱۳۹۶). «تبیین تأثیر و نقش بریکس بر نظم جدید جهانی»، *مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی*، شماره ۲۳، صص ۶۰-۴۳.

انگلیسی:

- 1st IBSA Declaration (2006). "Brasilia", https://www.ibsa-trilateral.org/images/1st_summit_declaration.pdf
- BRICS 4th Summit (2012). Delhi Declaration, March 29, 2012, at: <http://www.brics.utoronto.ca/docs/120329-delhi-declaration.html>
- BRICS 5th Summit (2013). Durban Declaration, 26 - 27 March 2013, <https://www.gov.za/fifth-brics-summit>
- Chardell, Daniel (2015). "the BRICS: Beyond the Hype", *national interest*, at: <https://nationalinterest.org/feature/the-brics-beyond-the-hype-13322>, July 14, 2015
- Devonshire-Ellis, Chris and Farzad Ramezani Bonesh (2023). "Intra- BRICS Trade and Analysis 2023", *Silk Road Briefing*, at: www.silkroadbriefing.com/news/2023/08/21/itra-brics-trade-and-analysis-2023/
- Doval, Gisela Pereyra (2015). "Forming Coalitions: The Case of Brazil in the BRICS", *Journal of International Relations*, Vol. 6, No. 2, pp. 2-15
- Gilpin, Robert (1981). *War and Change in World Politics*, Cambridge: Cambridge University Press
- Hounshell, Blake (2011). "BRICs: A Short History", *Foreign Policy*, at: <https://foreignpolicy.com/2011/02/21/brics-a-short-history/>
- Ikenberry, John (2014). *Power, Order and Change in World Politics*, Cambridge: Cambridge University Press
- Infobrics (2023). "Regional Integration Gaining Support Across the Global South". At: <https://infobrics.org/news/summits/>, 11/15/2023
- IPEA (2015). "Toward a Long-term Strategy for BRICS; A Proposal by BRICS Think Tank Council". At: https://portantigo.ipea.gov.br/agencia/images/stories/PDFs/livros/livros/151104_brics_long_term_strategy.pdf
- Marquand, Robert (2022). "Amid BRICS' Rise and 'Arab Spring', A New Global Order Forms", *The Christian Science Monitor*, At: <https://www.csmonitor.com/World/Global-Issues/2011/1018/Amid-BRICS-rise-and-Arab-Spring-a-new-global-order-forms>

- Ministry of Foreign Affairs of Brazil (2022). "14th BRICS Summit", PRESS RELEASE N.101, at: <https://www.gov.br/mre/en/contact-us/press-area/press-releases/14th-brics-summit>, 11/15/2023
- O'Neill, Jim (2001). "Building Better Global Economic BRICs", *Global Economic Paper*, No. 66, The Goldman Sachs Group, at: <http://www.goldmansachs.com/our-thinking/archive/archive-pdfs/buildbetter-brics.pdf>
- Paiva, Ana Luiza and Others (2020). "Brazilian New Foreign Policy and Implications within BRICS: A Discourse Analysis", *JCIR: BRICS Special Edition*, ResearchGate, available at: https://www.researchgate.net/publication/340536351_Brazilian_New_Foreign_Policy_and_Implications_within_BRICS_A_Discourse_Analysis
- Pereira, Lia Valls (2023). "Brazil and the BRICS: Focus on Multipolarity and Multilateralism", *Council on Foreign Relations*. At: <https://www.cfr.org/councilofcouncils/global-memos/brics-summit-2023-seeking-alternate-world-order>, Aug 31, 2023
- Roy, Diana (2022). "Brazil's Global Ambitions", *Council on Foreign Relations*, available at: www.cfr.org/backgrounder/brazil-global-ambitions, Sep. 19, 2022
- Shively, J., & Negreiros Mariano, M. (2022). "Brazil's Changing Foreign Policy Ambitions: Lula, Bolsonaro and Grand Strategy Analysis in the Global South", (NUPRI Working Paper, 17). São Paulo: *Núcleo de Pesquisa em Relações Internacionais da Universidade de São Paulo (NUPRI)*, available at: <https://nbn-resolving.org/urn:nbn:de:0168-ssoar-81844-7>
- Smith, Jack A. (2011). "BRIC Becomes BRICS: Changes on the Geopolitical Chessboard", *Foreign Policy Journal*, 21 January 2011
- Statista Research Department (2023), "BRICS and G7 Countries' Share of the World's GDP in PPP 2000-2023", at: <https://www.statista.com>.
- Supramanto, Elizabeth (2015). "The Sleeping Giant want a Veto", available at: <https://uknowledge.uky.edu>.
- Tapay-Cueva, Jack and David Dong (2023). "What Brazil Multipolar Foreign Policy Means for the Bretton Woods Institution", *Atlantic Council*, available at: www.atlanticcouncil.org/blogs/econographics/, Aug. 23, 2023
- TrendEconomy (2023). "Annual International Trade Statistics by Country", www.trendeconomy.com/data/h2/brazil/, 12/02/2023
- UNSC (2023), "Countries Elected Members", available at: <https://www.un.org/securitycouncil/content/countries-elected-members>, 12/03/2023.